

# عروسکها در آیینهای باران‌خواهی آذربایجان غربی

## مهسا نشاطی‌زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

آیین باران‌خواهی یکی از آیینهای بجا مانده از دوره باستان است که ریشه در باورها و اعتقادات دینی و اسطوره‌یی دارد. امروزه، این آیین در بسیاری از شهرها و روستاها به شکلهای گوناگون اجرا میشود. آیین باران‌خواهی بوسیله ساخت عروسک باران توسط زنان و کودکان به اجرا درمی‌آید. با نگاهی به گذشته، میتوان چنین استنباط کرد که انسان با توجه به ناتوانمندیهایی که در مقابل پدیده‌های طبیعی داشته به خلق ایزدان و خدایان بعنوان نیروی ماوراءالطبیعه پرداخته تا راهی برای غلبه بر مشکلات و سختیها داشته باشد. یکی از این خدایان که بشکل الهه آب نمود می‌یابد «آناهیتا» است که با الهه «ایشتر» در فرهنگ بابلی مطابقت دارد. نوشتار حاضر، با توجه به اهمیت آب در زندگی مردم به نحوه اجرای آیین طلب باران و نقش عروسکها و تأثیرپذیری آنها از باورهای مربوط به الهه آناهیتا در آذربایجان غربی پرداخته و بدنبال نشان دادن آیین نمایشی باران‌خواهی بعنوان بازتابی از باوری فرهنگی و ریشه‌دار در بین ایرانیان میباشد. روش پژوهش حاضر، توصیفی بوده که با بهره‌گیری از روش مصاحبه رسمی، مشاهده مستقیم و مطالعات کتابخانه‌یی انجام پذیرفته است.

**کلید واژگان:** آیین باران‌خواهی؛ عروسک؛ آناهیتا؛ ایشتر؛ آذربایجان

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، محقق و فرهنگیار عروسکهای بومی و محلی ایران؛ mahsaneshatzadeh@gmail.com

## مقدمه

با توجه به شرایط آب و هوایی ایران، افراد برای امرار معاش و ادامه زندگی، همیشه در جستجوی آب برای کشاورزی و دامداری بوده‌اند. از اینرو، همواره باران، نقش مهمی در باروری زمینهای زراعی داشته و بعنوان رابطی بین زمین و آسمان شناخته می‌شده است. دعا و نیایش برای برکت زمین، اجرای آیینهای متفاوت فرهنگی که برگرفته از باورها و اعتقادات منطقه‌ی می‌باشد، حضور فردی یا دسته‌جمعی در اجرای نمایشهای آیینی، هر یک نشانه‌یی از تلاش برای برکت‌زایی و بارش باران است. به همین دلیل در زمان خشکسالی، اجرای مراسمی که مربوط به طلب باران میشود از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردار است و بعنوان یکی از وجوهات مشترکی است که در تمامی ادیان به شکلهای مشابه و با نامهای متفاوت ظاهر میشود. شواهد تاریخی نیز نشان میدهد «آناهیتا» - الهه آب - از اسطوره‌های مهم تاریخی بوده که به احترام او معابد و تندیسهای فراوانی در دوره‌های تاریخی پیش از اسلام در ایران ساخته شده و آیینهای بسیاری بمنظور طلب باران از او، برگزار می‌شده است. آناهیتا بعنوان نماد پاکی و سرچشمه آبهای پاک در اوستا شناخته میشود که آیینهای نیایشی برای او برگزار می‌شده است. بعد از ورود اسلام، اجرای این مراسم مذهبی، تغییر شکل یافته، اما عنصر اصلی مراسم ساختار خود را حفظ کرده است. عروسکها یا پیکرکها که نمادی از خدایان مربوط به آن آیین میباشند در اجرای نمایش و عروسک‌گردانی وسیله‌یی برای غلبه بر ناتوانیهای انسان با عینیت بخشیدن بر قدرت ماورایی است که در پی تغییر شرایط موجود میباشد. در این تحقیق، با بررسی نوع عروسکها و فرهنگ مردم آذربایجان غربی، به نحوه اجرای نمایش باران‌خواهی میپردازیم.

## آیینهای نیایشی باران‌خواهی

باران‌خواهی مراسمی است که در دوره خشکسالی و کمبود آب بصورت فردی و گروهی با عناصر نمادین در جایی مقدس عمدتاً بشکل نیایشی برای طلب باران و به رسم استسقاء انجام میشود. در اجرای آیینهای باران‌خواهی عروسکها بعنوان نمادی از الهه آب هستند که در بررسی مستندات تاریخی در ابتدا بشکل پیکرکهای نمادین و تندیسها در نقش خدایان ظهور یافته‌اند و در گذر تاریخ، هویت و کارکردی نیایشی به خود گرفته‌اند. این مراسم با توجه به هر منطقه و نوع زندگی، باورها و اعتقادات مذهبی مردم، شکلهای متفاوتی در اجرای نمایش به خود گرفته و اشعار و ترانه‌ها، دعا و نیایش با گویش همان منطقه توسط زنان، کودکان و گاهی با حضور

همه اهالی خوانده میشود. آیین باران‌خواهی گاهی در قالب شخصیت‌های نمایشی و گاهی بشکل عروسک‌گردانی، گاهی با حضور حیوانات و یا استخوانهای آنها در یک مکان پاک و مقدس به اجرا درمی‌آید. در بیشتر روستاها و شهرها، این عروسک چوبی که سمبل زمین و باران است با پوششی از لباسهای سبز و آبی جلوه‌گر میشود و گاهی با الهام از فرهنگ منطقه رنگهای متفاوتی به خود میگیرد. عروسک باران‌خواهی نمادی از «آناهیتا» - الهه آب - است که بشکل عروسی زیبا ساخته میشود و سرانجام به آب روان سپرده میشود یا در درون صندوق قرار میگیرد و گاهی در خاتمه نمایش، اهالی محل آن را آتش زده و خاکستر عروسک را به آب میسپارند.

برای ساخت عروسک باران‌خواهی از قاشق، کفگیر، ملاقه‌های چوبی و گاهی از دو چوب صاف بشکل صلیب استفاده میشود. عروسک با همکاری کودکان و بانوان محل، در مکانی پاک و مقدس ساخته شده و با نوع لباس محلی در هر منطقه پوشش داده میشود. تزئینات و آرایش صورت عروسک در هر روستا و شهری متفاوت است. در برخی از مناطق همچون شهر ارومیه، عروسک باران‌خواهی، «چمچه گلین»، بدون چهره بوده و بشکل ساده و ابتدایی برای اجرای نمایش آماده میشود.

عروسک «چمچه گلین»<sup>۱</sup> یا «چمچه خاتین»<sup>۲</sup> یا «چمچه خاتون»<sup>۳</sup> که در منطقه شمال باختری، استان آذربایجان غربی برای باران‌خواهی ساخته میشود بعنوان نمادی از الهه آب «آناهیتا» یا «آردوی سور اناهیت» در اوستا است که بهنگام خشکسالی، برای طلب و درخواست باران، در فصل بهار، از اول فروردین ماه تا نیمه دوم اردیبهشت ماه و در برخی مناطق از نیمه دوم اریبهشت ماه، از طرف اهالی روستا یا منطقه بعلت کمبود آب و بارندگی، برای اجرای مراسم آیین باران‌خواهی آماده میشود.

عروسک «چمچه گلین» یا «چمچه خاتین» یا «چمچه خاتون» در گذشته عبارت بود از یک چمچه (آب‌گردان) چوبی، که ابتدا در زیر چام<sup>۴</sup> آن چوبی را بطور افقی تعبیه میکردند و آن را بشکل صلیبی در می‌آوردند و پس از آن به تن صلیب، لباسی زنانه تا زانو میپوشاندند و پشت چام چمچه را با زغال چشم، ابرو، دهان و بینی نقاشی کرده بشکل دختری در می‌آوردند؛ چنانکه گودی جام پشت سر چمچه خاتون میشد و در این هنگام یک چارقد به سر وی بسته

1. Çömçəğəlin
2. ÇömçəXatın
3. ÇömçəXatun
4. Çam

و در زیر چام و پشت محذب آن گره میزدند. انتهای دسته چُمچه هم محور گرداندن عروسک بود و هم پاهای آن‌ها (عاشورپور، ۱۳۸۷: ۵۳).

این مراسم با حضور بچه‌هایی شروع می‌شود که یکی از آنها «چُمچه» یا قاشق بزرگ چوبی را در دست دارد. بچه‌ها لباس عروسکی را که از قبل آماده کرده‌اند به تن چُمچه می‌پوشانند و آن را چُمچه گلین (عروس باران) مینامند. یکی از بچه‌ها چُمچه گلین را بدست می‌گیرد و همراه بچه‌های دیگر، در حالی که ترانه عروس چُمچه و تمناهای باران را می‌خوانند، برای گرفتن هدیه به در خانه‌ها در (شهر یا روستا) می‌روند. بر در هر خانه، رئیس یا بزرگ خانه سطل یا ظرفی آب بر روی عروس چُمچه میریزد و مقداری حبوبات و مواد خوراکی یا پول به بچه‌ها می‌دهد. در پایان، بچه‌ها با موادی که گردآوری کرده‌اند آش می‌پزند و آن را میان خود و نیازمندان تقسیم می‌کنند (باشگوز، ۱۳۵۸: ۱۱۹).

چُمچه گلین چوم اوسته

ای چُمچه عروس بالا برو

الله دان یاغیش ایسته

از خدا باران بخواه

الله بیزه یاغیش ور

خدایا به ما باران عطا کن

دیم لرمینز قورو دور

کشت دیم ما خشک شده

چُمچه گلین یاغ ایستر

عروسک چُمچه باران می‌خواهد

الله دان یاغیش ایستر

از خدواند بارش باران را می‌خواهد

یـردن حرکت ایستر

از زمین حرکت می‌خواهد

گوکدن برکت ایستر

از آسمان برکت می‌خواهد



چمچه گلین، متعلق به انجمن ائل بیلمی  
محل نگهداری: دفتر انجمن ائل بیلمی، آذربایجان شرقی، تبریز

«در برخی از روستاها، بعد از اجرای نمایش باران‌خواهی، اهالی روستا در مکانی مقدس جمع شده و نماز استسقا اقامه میکنند، بعد از آن سوره مبارکه سریع الاجابت (حشر) باز هم بطور جمعی قرائت میگردد» (عاشورپور، ۱۳۸۷: ۵۳).

در این نمایش، کودکان نماد معصومیت و پاکی هستند که دعاهایشان برای بارش باران، از سوی خدا سریعتر مستجاب خواهد شد. عروسک «چمچه گلین» بعنوان مظهری از الهه آب (آناهیتا) میباشد که با گرداندن و جلوه‌گر ساختن چهره او، مزده باریدن باران داده میشود. گردش در روستا یا منطقه نیز بعنوان گذر از مرحله‌یی به مرحله دیگر است که نشانه‌یی از طریقت و استغفار میباشد. پخت آتش بر روی آتش با حبوبات جمع شده از خانه مردم با توجه به اینکه حبوبات، نماد گیاه و آتش، نماد نرینگی و آب، نماد مادینگی میباشد. فراوانی و باروری را به همراه خواهد داشت. تقسیم آتش، نماد تقسیم غذای مقدس و سهیم کردن مردم در این عنصر مقدس است (محمدزاده رضائیه، ۱۳۹۵).



چمچه گلین، متعلق به مرکز توسعه راهبردی میراث فرهنگی،  
صنایع دستی، گردشگری ملل  
محل نگهداری: خانه موزه استاد انجوی شیرازی، مرکز پژوهش و  
سنجش افکار

در شهرستان خوی نیز زمانی که زمینهای کشاورزی با کمبود آب و بارندگی مواجه میگردد، کشاورزان برای بارش باران به روشهای مختلف از خدواند درخواست باران مینمایند. یکی از راههای طلب باران، ساخت عروسک چمچه توسط دو نفر از مردان است. در روستاهای این شهرستان، در هر موقع از روز بر سر قاشق چوبی بزرگی که به چمچه معروف است، پارچه‌یی مینندند، سپس بسوی منازل اهل آبادی روانه میشوند و در مقابل درب منازل اهالی توقف مینمایند و به زبان ترکی چنین میخوانند:

چمچه گلین نه ایستر  
 چمچه گلین چه می‌خواهد  
 الله دان یاغیش ایستر  
 از خداوند باران می‌خواهد  
 الی قلی خمیرده  
 دستانش را در خمیر فرو برده  
 قاشق سوا ایستر  
 قاشق آب می‌خواهد  
 ( آب را برای خمیر کردن می‌خواهد )

پس از آن صاحبخانه مقداری آب بر سر چمچه میریزد و به آن دو مرد هم مبلغی پول خرد میدهد. مردم روستاهای خوی بر این باورند با این عمل به زودی باران میبارد و زمینهای آنها سیراب میگردد (خلعتبری لیمایی، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۳).

یکی دیگر از آیینهای باران‌خواهی در منطقه آذربایجان، آیین «خیدیر- خیدیر» است که برگرفته از اعتقادات و باورهای باستانی مردم گذشته است. در این مراسم جوانان روستا از دو قطعه چوب بشکل چلیپا که با پارچه‌های رنگین تزئین شده و بعنوان نمادی از دو پیامبر خیدیر الیاسو خضر، مظهر سبزی و باران میباشد، میسازند و خانه به خانه برای طلب باران میگردانند و از هر خانه‌یی هدایایی مانند حبوبات، خشکبار، شیرینی و چیزهای دیگر جمع‌آوری میکنند که تمام این هدایا بعد از اتمام مراسم بین مستمندان تقسیم میشود و با حبوبات جمع‌آوری شده آتش خیدیر الیاس درست میکنند و همه مردم از آن میخورند (روشن، ۱۳۵۸: ۱۴).

خیدیر الیاس، خیدیر الیاس  
خیدیر الیاس، خیدیر الیاس  
بیتدی چیچک، گلدی یاز  
غنچه رویید، بهار آمد  
سن بیزه یاغیش گتیر  
تو برای ما باران بیاور  
یاغیش سیز اکین اولماز  
بدون باران کشت نداریم  
اکین سیزحیات اولماز  
و بدون کشت زندگی نداریم (همانجا)

\*\*\*

خیدیر الیاس یوباندی  
خیدیر الیاس دیر کرده است  
زمی لر قورودو یاندی  
کشتزارها خشکید و سوخت  
قره تورپاق یاغیش سیز  
خاک سیاه بدون آب باران است  
داشندی، چاقیر تیکاندی  
مانند سنگ است و پر از خارهای تیز  
اورکالر دوللی قاندی  
دلها از اندوه و نگرانی پر خون شده است (همانجا)

\*\*\*

خانم ایاقا دورسون  
خانم از جا بلند شود  
یوک دیبینه باش وورسون  
به صندوق خانه سر بزند  
کاسا، بشقابی دولدورسون  
کاسه و بشقاب را پر کند  
خیدیر یولا سالدیرسون  
و خیدیر را راه بیاندازد» (همانجا)

خضـر الـیـاس یـاز گـلدی  
 خضـر الیـاس بهـار آمـد  
 یـوکـون یـانـینـا گـلسـین  
 باری که داری به تو برسد  
 گـول آچـول آچـول  
 گل باز شد  
 بوشـقـابی دولـدورسـون  
 بشقاب را پر کند  
 خـانـم او یـانـسـین  
 خانم بیدار شود  
 خـضـری یـولـا سـالـسـین  
 خضـر را راهی کند (اشراقی، ۱۳۸۸: ۴۲)

آیین «خیدیر-خیدیر» در سده‌های بعد به مراسم «چومچه خاتون» تبدیل شد. تعدادی از اقدامات، عناوین و بخصوص اشعار عوض شده و شکل امروزی (واقع‌گرایانه) یافته است (احمدی ملکی، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

در روستاهای مهاباد، سردشت، پیرانشهر و بوکان در زمان خشکسالی و کم‌آبی کودکان روستا برای بارش باران عروسکی بنام «بووکه بارانه»، «بووکه وارانه» یا «بووکه باران» می‌سازند که عروسکی نمادین از الهه آب است. «بووکه» در زبان کردی بمعنای «عروس» است که در معنای کلی بعنوان عروس باران شناخته میشود (حسینی، ۱۳۹۵). این عروسک از دو شاخه چوب و گاهی با یک قاشق چوبی ساخته میشود. لباس این عروسک بیشتر از پارچه‌هایی با رنگ قرمز انتخاب میشود و نوع لباس این عروسک با توجه به نوع فرهنگ کردی متفاوت است (بهرامی، ۱۳۹۷). تکه پارچه‌های فراهم شده، بر روی چوب بسته میشود و توسط کودکان، کوچه به کوچه برای اجرای نمایش باران‌خواهی به حرکت درمی‌آید. یکی از کودکان بعنوان گرداننده عروسک است و بقیه او را همراهی میکنند و با هم دم در خانه‌ها ترانه بووکه بارانه را میخوانند.



بووکه بارانه ئاوی دهوی  
عروس باران آب میخواهد  
ئاوی نیو ده‌غلانی دهوی  
آبی برای گندم زار میخواهد  
بووکه بارانه ئاوی دهوی  
عروس باران آب میخواهد  
هی لکه‌ی باروکانی دهوی  
تخم مرغ مرغان نو پارا میخواهد  
بووکه بارانه ئاوی دهوی  
عروس باران آب میخواهد  
ده‌ری گه‌وره کچانی دهوی  
سنجاق سر دختران جوان را میخواهد (پاکزاد، ۱۳۹۴).



بووکه باران، متعلق به مرکز غیردولتی توسعه راهبردی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ملل محل نگهداری: خانه موزه استاد انجوی شیرازی، مرکز پژوهش و سنجش افکار، فرهنگ مردم فرهنگیار و سازنده عروسک: شادی پاکزاد

گامه علوم انسانی و مطالعات  
رتال جامع علوم انسانی

صاحبخانه بر روی عروسک آب میپاشد و از خداوند برای بارش باران دعا میکند. او همچنین به کودکان هدایایی مانند تخم مرغ میدهد که بعنوان باروری، تولد، رویش زمین و حاصلخیزی شناخته میشود و یا به لباس بووکه بارانه سنجاق سر وصل میکنند. سنجاق نیز بعنوان نمادی از برآورده شدن حاجت و بارش باران به لباس عروسک وصل میشود. اجرای نمایش باران‌خواهی بدلیل اهمیت کشاورزی و باروری زمین است که با اجرای این نمایش به همراه دعا و طلب نیاز آب کافی برای کشت، باران رابط بین زمین و آسمان قرار گیرد تا محصولات کشاورزی در معرض خشکسالی قرار نگیرد (همانجا).

## نتیجه‌گیری

اجرای نمایشهای آیینی همواره بعنوان راهی برای ارتباط انسان با دنیای ماورالطبیعه بوده تا بتواند برای غلبه بر ناتوانیهای خود در مواجهه با مسائل و مشکلات طبیعت مبارزه نماید. یکی از این آیینها، ساخت پیکرکهای نمادین و تصویرسازی ذهنی از قدرت مافوق بوده که در گذر زمان، با رشد و شناخت انسان از خود وجه دیگری یافته است. آیین باران‌خواهی نیز ریشه در باورهای اسطوره‌یی و تاریخی دارد که با بررسی مستندات تاریخی میتوان حضور آنها را - الهه مقدس آبها و چشمه‌های زمینی - را بشکلهای مختلف در معابد و اماکن مقدس مشاهده کرد که بطور مستقیم مورد تقدس و پرستش مردم بوده است. با ورود اسلام و تغییر نگرش فرهنگی، بدلیل اهمیت آب در زندگی انسان، آیین باران‌خواهی همواره هویت خود را حفظ کرده و بشکلهای مختلف بصورت فردی و گروهی در جوامع کوچک و بزرگ اجرا میشود. عروسکها نمونه‌یی از شکل تغییر یافته آنها هستند که با فرهنگ هر شهر و روستا سازگاری کامل دارند و براساس باورها، اعتقادات مذهبی، نوع پوشش و گویش آن منطقه بصورت نمایشی به اجرا درمی‌آیند. نکته مشترک در اجرای این نمایش آیینی، حضور کودکان و بانوان بشکل برجسته، گرداندن عروسک در کوچه‌ها و آب پاشیدن بر سر عروسک و دعا برای بارش باران و دادن هدایا، خوراکی، حبوبات، تنقلات به کودکان و پخت آش و نان و تقسیم آن بین اهالی محل یا مستمندان است.

عروسکهای باران‌خواهی در مناطق مختلف با نامهای متفاوت شناخته میشوند؛ از جمله: «چُمچَه



گلین»، «چُمچَه خاتین»، «چُمچَه خاتون» در آذربایجان، «آصلانا چُمچَه‌گلین»<sup>۱</sup> در منطقه صوفیان، «دودو»<sup>۲</sup> در اهر، «بووکه بارانه»<sup>۳</sup> (بوکه باران) در مناطق کردنشین، «خیدیر- خیدیر»<sup>۴</sup> در آذربایجان و ... که همگی دارای ساختارهای مشابه و کاربری یکسان، با گویش و فرهنگ متفاوت هستند.

بووکه باران، متعلق به شرکت عروسک بومی و محلی گلینجیک هزار و یک شب

1. AslanaÇömçəgəlin
2. dudu
3. Bukebarane
4. xeydir\_ xeydir

## منابع

### کتابها

- اشراقی، محمد؛ *آذربایجان آغیز ادبیاتی* (ادبیات شفاهی آذربایجان)، تبریز: انتشارات یازان، ۱۳۸۸: ۴۲.
- خلعتبری لیمایی، مصطفی؛ *آب، آیینها و باورهای مربوط به آن در فرهنگ عامه*، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات، ۱۳۸۷.
- روشن، حسین؛ *ادبیات شفاهی مردم آذربایجان*، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۸.

### مقالات

- احمدی ملکی، رحمان؛ «سروده‌ها و تصنیفهای باران‌خواهی و خورشیدخواهی در آذربایجان»، شعر، ش ۲۵، بهار ۱۳۷۸.
- باشگوز، ایلهان؛ «مراسم تمنای باران و بارتان‌سازی در ایران، ترجمه باجلان فرخی»، کتاب جمعه، شماره هجدهم، ۱۳۵۸.
- عاشورپور، صادق؛ «نگاهی به مراسم باران‌خواهی چمچه خاتون»، تئاتر، ش ۴۲ و ۴۳، تابستان ۱۳۸۷.

### مصاحبه:

- بهرامی، بفرین، «عروسک بووکه بارانه»، استان آذربایجان غربی، شهرستان مهاباد، اردیبهشت ۱۳۹۷.
- حسینی، ژیلا، «عروسک بووکه بارانه»، استان آذربایجان غربی، شهرستان بوکان، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- پاکزاد، شادی، «عروسک بووکه بارانه»، استان آذربایجان غربی، شهرستان مهاباد، اسفند ۱۳۹۴.
- محمدرزاده رضائیه، شهین، «چومچه گلین»، استان آذربایجان غربی، شهر ارومیه، تیرماه ۱۳۹۵.
- ولی‌زاده، معصومه، «عروسک چمچه گلین»، استان آذربایجان غربی، شهر ارومیه، اسفند ۱۳۹۴.

۱. نام ایلهان باشگوز، نویسنده و محقق ترک، در مدارک و اسناد ایرانی به نام ایلهان باشگوز ثبت گردیده است.